



سریال «پدر خاک» و فیلم «مظفرنامه» ادامه یافت و در این کارها تنشی بین ما پیش نیامد. اما در سریال بعدی ورزی که مربوط به دوره معاصر بود، به دلیل تحریف تاریخ، اختلافی ایجاد شد. در این پروژه در مورد چیدمان صحنه وارد چالش شدیم، چرا که برای من وفادار بودن به مستندات تاریخی اولویت داشت.

### درباره اعتراض شما، ورزی چه واکنشی نشان داد؟

نمی‌خواهم گذشته را کالبدشکافی کنم، اما معتقدم نباید سلیقه‌مان را در بیان تاریخ دخیل کنیم. گاهی تن دادن به سلیقه تاریخی کارگردان باعث می‌شود فرصت‌های بیشتری برای ساخت و کار کردن به دست بیاوریم، اما این شیوه اشتباه است. من طراحی نبودم که برای تداوم کار به اعمال سلیقه تاریخی کارگردان تن بدهم.

### جز عوامل حرف گوش کن نبودید...

نبودم. دوستانی که حرف گوش کن هستند، صرفاً اجراگر هستند و نه طراح هنری که دارای تفکر و جهان بینی است. همین روحیه باعث شد که به مرور از کار طراحی فاصله بگیرم.

### این نوع نگاه تاوان‌هایی هم دارد...

در تمام دوران کاریم با این تاوان‌ها روبه‌رو بودم و همیشه برای استقلال حرفه‌ای ام ارزش قائلم. هیچ‌گاه برای تداوم حضورم در پروژه‌ها مصلحت‌اندیشی نکرده‌ام، زیرا معتقدم روزی‌ام از جای دیگری می‌آید.

### از کجا می‌آید؟

از جانب پروردگار و خوشبختانه تا به امروز هیچ‌گاه در تنگنای معاش نبوده‌ام.

### به تدریس هم مشغول هستید؟

در چندین شاخه تدریس می‌کنم و این افتخار را دارم که گریم را از یک واحد درسی به یک رشته تحصیلی تبدیل کرده‌ام. همچنین در نگارش کتاب‌های تخصصی گریم مشارکت داشته‌ام و خوشبختانه سالیانه تعدادی زیادی فارغ‌التحصیل در این حوزه داریم.

### از میان شاگردانی که داشته‌اید، کدامیک در مسیر کاری خود به موفقیت رسیده‌اند؟

خیلی از شاگردانم به موفقیت رسیده‌اند. در حوزه طراحی، بابک کریمی، محمد کفاشیان، حجت اشتری، سارا سمیعی، سهیل میر سپاسی و دیگران از نام‌های شناخته شده هستند. در زمینه گریم نیز محمد هدایتی، مسعود غنی‌آبادی، ماهان ابراهیم‌زاده، نازنین امینی و تعدادی دیگر مطرح شده‌اند. من بی‌دریغ هر آنچه آموخته بودم، به آن‌ها منتقل کرده‌ام.

### در گریم سینما هم با آقای اسکندری تجربیات موفق داشتید؟

بله، من دستیار عبدالله اسکندری و مهری شیرازی بودم. اولین تجربه موفقم در آغاز کارم با فیلم «زیر پوست شهر» رقم خورد که طراحی گریمش با مهری شیرازی بود و اجرای من از جشن صد سالگی سینما جایزه گرفت. بعد از آن در کارهایی مثل «نیمه پنهان»، «طوفان شن»، «واکنش پنجم» و «عشق فیلم» تجربه‌های بیشتری کسب کردم و به تدریج مستقل کار کردم.

### در سینما عمده موفقیت شما در حوزه گریم با فیلم‌های اجتماعی رقم خورد.

من به فیلم‌های رئال و فانتزی هر دو علاقه‌مندم. متأسفانه در برخی فیلم‌ها، تهیه‌کننده و کارگردان توقعاتی از گریم داشتند که منطبق نداشت و به همین دلیل از حضور در آن پروژه‌ها انصراف دادم.

### با کدام کارگردان‌ها تجربیات موفق داشته‌اید؟ فکر می‌کنم با حسین پناهی هم همکاری موثری داشتید...

بله، این همکاری در سریال «یحیی و گلابتون» شکل گرفت. من با اغلب بزرگان، مانند مسعود آب‌پرور در «هوش سیاه»، سعید سهیلی‌زاده در «آوای باران» و بسیاری دیگر، همکاری داشته‌ام.

### در کارهای کودکان هم حضور داشتید؟

کم‌کم مهجور و محدود شد و عمدتاً در کارهای حماسی و تاریخی استفاده می‌شد. در نمایش «بهار عشق، خزان عمر» نقشی بازی کردم که بعدها باعث شد سال‌ها روی صحنه تئاتر حضور نداشته باشم.

### یعنی در آن زمان ممنوع‌الکار شدید؟

به نوعی، آن سال (۱۳۷۳) از لفظ «ممنوع‌الکاری» استفاده نمی‌شد، اما اگر اسمم را برای کاری اعلام می‌کردند، محترمانه نامم حذف می‌شد. با این حال، دکتر میهن مسئولیت اجرایی دو جشنواره تئاتر دانشجویی را به من سپرد و طراحی گریم نمایش‌های حاضر در این جشنواره‌ها بر عهده من بود. این تجربه باعث شد احساس مسئولیت بیشتری نسبت به کارم پیدا کنم و مسیر حرفه‌ای‌ام شکل جدی‌تری بگیرد.

### کدام کارتان در آن دوران از نظر گریم برایتان چالش‌جذابی داشت؟

در نمایش «چند و چون به چاه رفتن چوپان»، علیرضا اوسینوند باید بدون خروج از صحنه پنج گریم مختلف می‌شد. من این پنج گریم را در پنج لایه روی صورتش طراحی کردم و در کنار آن از ماسک‌های مختلف استفاده کردم؛ با پایان هر بخش، یک لایه کم می‌شد و روزی سه ساعت گریم انجام می‌گرفت. آن سال، فخری خورش، اکبر زنجانیور و دکتر میهن به عنوان داور جشنواره، گفتند که من مستحق جایزه گریم هستم، اما متأسفانه چنین جایزه‌ای در جشنواره تعریف نشده بود. به جای آن، مرا به عنوان کاندیدای نقش دوم مرد در نمایش «بهار عشق، خزان عمر» معرفی کردند؛ نقشی که برای اولین بار در تئاتر ایران به مسائل فراجنسیتی پرداخت و بابت این نمایش در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ برای پرداختن به موضوعات و مشکلات فراجنسیتی‌ها با کمک زبان نمایش مورد تقدیر یونسف قرار گرفت. بعدها بازیگرانی مانند رامین ناصر نصیر و ارژنگ امیرفضلی این نوع نقش‌ها را تجربه کردند.

### با علیرضا نادری هم در تئاتر همکاری موفق داشته‌اید؟

بله، در نمایش پیچیده‌های... این همکاری شکل گرفت. اجرای نمایش با حاشیه‌ها و چالش‌های زیادی همراه بود و مزاحمت‌های متعددی برای گروه ایجاد شد. پس از آن، با دعوت آقای حمزه، مسئول گریم شبکه دو، به این شبکه رفتم و پس از انجام تست، پذیرفته شدم. نتیجه این پذیرش، حضور من در تیم گریم فیلم «سایه‌های هجوم» به کارگردانی احمد امینی بود. پس از آن، در تعداد زیادی تله‌تئاتر شبکه دو حضور پیدا کردم و کارم به عنوان طراح مستقل با نظر مثبت آقای حمزه آغاز شد. در آن سال‌ها رابطه استاد-شاگردی واقعاً معنا داشت و تجربیات زیادی از این مسیر کسب کردم.

### با کدام کار به صورت مستقل طراحی گریم را انجام دادید؟

سریال «بهترین تابستان من» با بازی علی صادقی که کار دفاع مقدسی بود.

### طراحی هنری هم انجام می‌دادید؟

با اتمام تحصیلاتم و همزمان جدای از گریم به طراحی هنری هم می‌پرداختم.

### اما به نظر می‌رسد کارهای گریم شما تأثیرگذاری بیشتری نسبت به طراحی هنری داشته است، دلیلش چیست؟

علت دارد. پایان‌نامه‌ام درباره مینیاتور بود و علاقه زیادی به تاریخ و طراحی هنری آثار تاریخی داشتم، اما متوجه شدم در دنیای حرفه‌ای ما، کار تاریخی مبتنی بر روایت‌گری نیست و اغلب طبق سلیقه شخصی، به بازنمایی تاریخ پرداخته می‌شود. به همین دلیل، در عرصه گریم توانستم تأثیرگذاری بیشتری داشته باشم، چون آنجا زبان بصری و نمایشی بیشتری برای انتقال روایت پیدا می‌کنم.

### مدل کاری که در آثار تاریخی محمدرضا ورزی مشاهده می‌شود، چه تأثیری بر شما داشت؟

واقعیت، نگاه او باعث شد از کارهای تاریخی کمی سرخورده شوم. در سریال «سال‌های خاکستری» به عنوان طراح صحنه حضور داشتم؛ روایت سریال به زمان تحریم تنباکو بازمی‌گشت. همکاری‌های بعدی‌ام با او در

می‌شود. مهدی هاشمی هم با شنیدن این حرف‌ها گفت: «چه منطقی متفاوتی داری! این حالات به بهتر بازی کردنم و رفتن در جلد نقش به من کمک می‌کند.»

### در اصل شما شخصیتی را که گریم می‌کنید، واکاوی روانشناسی هم انجام می‌دهید؟

بله، در بحث تدوین واحدهای درسی گریم در دانشگاه، مبحث روانشناسی و کالبدشکافی چهره و شخصیت تأکید زیادی داشتم. توجه به این مباحث بسیار مهم است. شما فیلم «سیاره میمون‌ها» را در نظر بگیرید؛ ریک بیگر، طراح گریم این فیلم، در انتخاب بازیگران حضور مؤثری داشته، زیرا معتقد است باید بازیگرانی انتخاب شوند که چهره‌شان قابلیت تبدیل شدن به میمون را داشته باشد. گریم فقط تغییر دادن ظاهر نیست، بلکه شناخت شخصیت و روانشناسی نقش را هم شامل می‌شود.

### برگردیم به بحث قبلی؛ آیا مهدی هاشمی با شنیدن استدلال‌های شما اعتماد کرد؟

بله، نه تنها مهدی هاشمی، بلکه اغلب بازیگرانی که گریمشان کرده‌ام، به من اعتماد داشته‌اند.

### با رضا عطاران هم چند تجربه موفق داشته‌اید...

بله، با عطاران در دو سه فیلم از جمله «مصادره» همکاری داشتم. برای گریم این فیلم هم کاندید دریافت جایزه شدم. به واسطه جنس داستان فیلم که از جوانی تا پیری رضا عطاران را شامل می‌شد، چندین مرحله گریم برایش طراحی کردم و گریم روی چهره‌اش سخت و زمان‌بر و با دقت انجام شد. بخش عمده فیلم در ارمنستان فیلمبرداری شد و کار دشوارتر بود. عطاران بازیگر همراهِ است و تجربه خوبی با او داشتم.

### آیا در حوزه کاری‌تان با بازیگری دچار چالش شدید؟

چالشی به جز چند نمونه محدود که با بازیگری در بحث لباس داشتم، در کارم نداشتم. البته در برخی از فیلم‌ها با اصطلاح بازیگر نماهایی حضور داشته‌اند و تأکید می‌کنم که بازیگر نبوده‌اند.

### از این جنس بازیگر نماها در سینمای ایران تعداد زیادی وجود دارد؟

متأسفانه تعدادشان رو به افزایش است و تعداد زیادی بازیگر اصیل خانه‌نشین و منزوی و بدون کار هستند. اغلب این نابازیگران صفحات اینستاگرامی دارند و برای خودشان تبلیغ می‌کنند و روابط خاص با برندهای تجاری و حتی مزون‌های زنانه دارند.

### آیا تا به حال پیش آمده که در قبال دریافت پول برای صفحاتشان آنها را گریم و سایپورت کنید؟

پیشنهاد داشته‌ام، ولی هیچ وقت چنین کاری انجام نمی‌دهم و گریمور شخصی هیچ کسی نیستم.

بله، در فیلم «خواب‌های دنباله‌دار» با پوران درخشنده، فیلم سینمایی «دوچ» ساخته آقای مشهدی عباس و با محمد مسلمی هم در «هشتگ خاله سوسکه» همکاری کردم. در این سریال طراحی صحنه، لباس و گریم را بر عهده داشتیم که با توجه به حجم، نوع و فضای سریال، کار دشواری پیش رو داشتیم. دنیای کودکان را دوست دارم.

### در سینما کار با کدام کارگردان برایتان جذاب‌تر بود؟

بارضا کاهانی چند تجربه موفق کاری در فیلم‌هایی مثل «بیست»، «اسب حیوان نجیبی است»، «هیچ» و «بی‌خود» و بی‌جهت» داشتم و طی این همکاری‌ها به زبان مشترک درست و موثری رسیدیم.

### گریم علیرضا خمسه در فیلم «بیست» متفاوت بود. چگونه به این طراحی رسیدید؟

هم گریم خمسه و هم گریم مهتاب کرامتی متفاوت و با فکر انجام شد و برای گریم این فیلم کاندیدای جشنواره فجر شدم، ولی با کم لطفی، به گفته یکی از داوران، جایزه به من تعلق نگرفت. بعدها در مطبوعات عنوان شد که جایزه گریم فیلم اشتباهی برای بازیگری داده شد. آن سال مهتاب کرامتی در هشت فیلم بازی کرده بود و بازی درخشانش در فیلم «بیست» بود، اما گریم در تکوین نقشی که بازی کرد، خیلی موثر بود.

در ادامه پاسخ به سؤال شما، در فیلم «بی‌خود و بی‌جهت» هیچ‌کس متوجه نشد که نگار جواهریان چگونه شیرینی چهره‌اش را در فیلم از دست داد. من با گریمی نامحسوس، طول دندان‌های جلویی را کمی کوتاه کردم و حالتی در فرم چشم‌هایش ایجاد کردم.

در فیلم «بیست» دست شخصیتی که خمسه بازی می‌کند، لمس و بی‌حرکت است و من پیشنهاد کردم که چوپ پنه کوچکی از زیر لباس و کتف تعبیه شود تا کمک کند لمس و حرکت ظریف در فیزیک خمسه دیده شود.

### جزو طراحان گریمی هستید که در کارهایی که حضور دارید، کنسه و پیشنهاد می‌دهید؟

تلاش‌م این است. گریم در اصل عامل احیاگری بازیگر نیست، بلکه مکمل اوست و کمک می‌کند که بازیگر به نقش خود برسد.

### کار با کدام بازیگر در بحث گریم برایتان راحت‌تر و جذاب‌تر بوده است؟

یک خاطره خوب از کار با مهدی هاشمی عزیز و دوست‌داشتنی در فیلم «هیچ» دارم و البته با خانواده ایشان نیز تجربه همکاری داشته‌ام و همه‌شان خوب و درجه یک هستند. در فیلم «هیچ» مهدی هاشمی نقش مردی را بازی می‌کرد که بیماری جوع (سیر نشدن) داشت و مدام در حال خوردن بود. در حین تست گریم، مهدی هاشمی خیلی روی موهایشان حساس بودند و قبل از «هیچ» در اغلب کارهایش موهای بلندی داشتند. در وهله اول به ایشان گفتم قصد دارم موهای دستشان را بزنم تا مثل گوشت لخم به نظر برسد و بعد با کوتاه کردن مو، انگار سر روی بدن کوچک است و بدن بزرگ‌تر دیده